

بسم الله الرحمن الرحيم

فقر و گرسنگی زیر ظلم نظام سرمایه‌داری و عدالت اسلام

(ترجمه)

در خصوص وضعیت اقتصادی کنونی، که هر ثانیه یک انسان را به دلیل گرسنگی و یا سوء تغذیه به هلاکت می‌رساند، نمی‌توان از مسئولیت سرمایه‌داری انکار و یا چشم‌پوشی کرد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، دو ابزار اساسی و مهم سرمایه‌داری بوده و به‌طور مستقیم مسئولیت اوضاع نابسامان اقتصادی کنونی در جهان در حال توسعه و سرزمین‌های اسلامی به این دو نهاد برمی‌گردد. سیاست‌های مبتنی بر وجود این دو نهاد است که بیش‌تر از 500 میلیون فقیر در سرزمین‌های اسلامی؛ چون: یمن، سودان، جیبوتی، موریتانیا، اردن، عربستان سعودی، تونس، مراکش، بنگله‌دیش، اندونزی و غیره، از شدت گرسنگی رنج می‌برند.

بدون شک، فقری که جهان را به تاریکی کشانده است، ارتباط مستحکمی به بانک جهانی دارد. حالات و وقایع بسیاری اند که شاهد این رابطه بوده و این واقعیت را به تصویر می‌کشاند. بحران مالی و بالا رفتن نرخ‌ها در اردن و سودان، بزرگ‌ترین شاهد بر دخالت‌های بانک جهانی در تحمیل این حالت گرسنگی و وضعیت سخت بر مردم می‌باشد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از طریق آنچه که بنام "تعدیل ساختاری" یاد می‌شود، به‌جنایاتی می‌پردازند که این شرایط ظالمانه را به‌وجود آورده است. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، تغییراتی را در سیاست‌های کلان اقتصادی ایجاد می‌کنند که دولت‌ها را ملزم به اقدام سیاست‌های تجاری آزاد و سرمایه‌گذاری‌هایی می‌نمایند که بر اساس آن‌ها شرکت‌های استعماری به سادگی می‌توانند دارایی‌های مردم را غارت نمایند. مبنی بر این سیاست‌ها، دولت‌ها تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی را کاهش داده و از حمایت محصولات داخلی، به‌ویژه مواد غذایی، دست برمی‌دارند؛ بنابر این، مناطق زیادی از زمین‌های کشاورزی نامزوع باقی‌مانده و جوامع را زیر لگدهای سیاست‌های اقتصادی و مالی قرار داده و آن‌ها را گرفتار مشکلات کمرشکن قرضه‌ها می‌گردانند. نتیجه این سیاست‌ها و قرضه‌ها تکیه بر مواد غذایی وارداتی و کمک‌های شرکت بزرگ سرمایه‌داری می‌باشد. فقر، گرسنگی، بیماری‌های همه‌گیر و مشکلات محیط‌زیستی در بسیاری از کشورها، به‌ویژه سرزمین‌های اسلامی، پیامد تسلط سرمایه‌داری بر اوضاع اقتصادی جهان می‌باشد.

این از ویژه‌گی‌های قوانین نظام سرمایه‌داری می‌باشد که به‌گونه حتمی باعث فقر مردم و گرسنگی میلیون‌ها انسان می‌شود. علی‌الرغم این‌که افزایش تولید و ثروت، قانون عرضه و تقاضا تنها راه توزیع ثروت در نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود، واقعیت اینست: به‌همان پیمان‌ه‌ای که سرمایه‌داری در طول صدسال گذشته به‌ثروت بالایی دست پیدا کرده، تعداد افرادی که طبقه فقراء و گرسنه‌گان را شکل می‌دهند، نیز افزایش یافته و در حال توسعه می‌باشد. پدیده فقر و گرسنگی یک پدیده جهانی است که دامن کشورهای بسیار ثروت‌مندی؛ چون آمریکا را نیز گرفته است و کشورهای فقیری؛ چون: هائیتی، سرزمین‌های جنوب صحرائی، افریقا، لبنان، اردن و سودان نیز شامل این ماجرا اند.

این واقعیت را بیانیه‌ای سازمان خوار و بار و کشاورزی سازمان ملل (فائو) که نگرانی عمیق خود را از تداوم گرسنگی که جوامع را تهدید می‌نماید، اظهار داشت که خلاصه آن این است: «این غیرقابل قبول است که بیش از 800 میلیون تن در سراسر جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، غذای کافی برای برآورده ساختن نیازهای غذایی اولیه خود نداشته باشند؛ در حالی که کمک‌های غذایی در سطح جهان به‌شکل چشم‌گیری افزایش یافته‌است. در عین حال، فقر و گرسنگی همچنان ادامه دارد.» همان‌گونه که مدیر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی امریکا، اظهار می‌دارد که مشکل کمبود منابع مواد غذایی نیست: «این باور که مشکل گرسنگی جهان را می‌توان با افزایش تولیدات غذایی حل نمود، گزافه‌گویی بیش نیست؛ بلکه مشکل واقعی فقر در توزیع نامناسب مواد غذایی و ثروت است.» سرمایه‌داری نظامی است، علاوه بر آن که مشکل گرسنگی را حل نمی‌تواند؛ بلکه افراد جامعه را در برابر برآورده ساختن نیازهای اولیه‌شان نیز ناتوان می‌سازد. سرمایه‌داری در تحقق سعادت مردم و تأمین امنیت و رفاه ملیاردها انسان در سراسر جهان، شکست خورده و در زمین، فقر، بیماری، جنگ، گرسنگی و ویران‌گری را زرع نموده است.

اما در مقابل، نظام اقتصادی اسلام راه‌حل اساسی را برای مسئله فقر و گرسنگی به‌عنوان جزء جدایی ناپذیر نظام اسلامی ارائه داشته است. قوانین مربوط به اقتصاد و پول با سایر قوانین؛ مانند: ازدواج، روابط خانوادگی، سیاست، اخلاقیات، عبادات، عقاید و غیره رابطه مستحکمی دارد. زکات یکی از ستون‌های اقتصاد است که مقارن با نماز فرض شده است. الله سبحانه و تعالی در بیش‌تر از چهارده آیه چنین می‌فرماید:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)

[بقره: 110]

ترجمه: نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید!

غذا دادن مساکینی که قوت یومیه‌ای خود را نداشته باشند، علاجی برای برخی از مسائل؛ مانند: ظهار قرارداد شده است:

(فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا)

[مجادله: 4]

ترجمه: کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام دهد.

این به‌این معنی است که نظام اقتصادی در اسلام جزء از کل می‌باشد. نظام اقتصادی اسلام به‌مفاهیم، عقیده و نظام‌های آن مرتبط است. درک و آموختن و تطبیق نظام اقتصادی اسلام بدون در نظر داشت این مفاهیم، عقاید و دیگر نظام‌های اسلامی ممکن نیست. نظام اقتصادی در اسلام زمانی عدل و انصاف را محقق می‌سازد که به‌طور کامل به‌عنوان جزء از

تطبیق کامل اسلام، در جامعه تطبیق شود. از جمله مفاهیم مرتبط به اقتصاد در اسلام مفهوم رزق و ثروت، فراوانی منابع به جای کمبودی، فقر افراد به جای فقر جامعه و آرایه خدمات واقعی و مطابق به نیازها می باشد.

مشکل فقر از نظر اسلام مشکل فقری است که قادر به برآورده نمودن نیازهای اساسی خود؛ چون: غذا، لباس و مسکن نمی باشد. اسلام به فقر منحیث مشکل جامعه ای که نیاز به منابع طبیعی دارد، نگاه نمی کند؛ بلکه به فقر از این دید نگاه می کند که مشکل اشباع حاجات افراد جامعه به طور جداگانه می باشد. به عبارت دیگر، اسلام به مشکل فقراء به گونه ای رسیدگی می کند که بتوانند نیازهای اساسی خود را به صورت فردی برآورده سازند. اسلام راه را برای همه مردم نشان می دهد تا بتوانند به وسیله دانش، تلاش و کوشش به اشباع حاجات خود بپردازند. اسلام در نظام اقتصادی خود، برای این که بتواند به اشباع حاجات اساسی تک تک افراد جامعه بپردازد، بر توزیع عادلانه منابع طبیعی تأکید دارد. اسلام با فقر مبارزه می کند؛ چنان چه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«لَيْسَ الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَشْبَعُ وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ»

ترجمه: کسی که سیر است و همسایه وی در کنارش گرسنه است، مؤمن نیست.

و در حدیث دیگری می فرماید:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهِ»

ترجمه: کسی که شب را سیر سپری می کند؛ در حالی که همسایه وی در کنارش گرسنه بوده و او از احوالش آگاه می باشد، مؤمن نیست.

اسلام با گرسنگی و فقر در جامعه به شدت مبارزه نموده و از طرفی مقاومت در برابر آن ها را نشانه ایمان به الله سبحانه و تعالی می داند. باید با دقت کامل در نظر داشت که رسول الله صلی الله علیه وسلم چگونه میان رد و مبارزه با فقر و میان ایمان به قضاء ارتباط برقرار کرده است. اسلام مسئله فقر را صرف یک مسئله اداری معرفی نکرده است که دولت بر آن تسلط داشته و قوانینی را برای تأمین مواد غذایی برای فقراء وضع نماید؛ لیکن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر اساس بنیاد فکری عقیده ای که آن را کم در طول 23 سال بناء نمود، مسلمانان را خطاب قرار داده و چنین می فرماید:

«إِنْ كُنْتُمْ تَوْمِنُونَ بِالْإِسْلَامِ كَمَا تَزْعُمُونَ، فَلَنْ تَنَامُوا شَبَعِي وَتَتْرَكُوا جِيرَانَكُمْ يَبِيتُونَ جَوْعَى»

ترجمه: اگر همان گونه که ادعا می کنید به اسلام ایمان دارید؛ پس هرگز سیر نخواهید، در حالی که همسایه گان تان شب را گرسنه می گذرانند.

اسلام بر این واقعیت مهم تأکید دارد که فقر به‌طور فراگیر غیرقابل قبول بوده و در جامعه اسلامی نادیده گرفته نمی‌شود. خلفای راشدین نیز بر منهج رسول‌الله صلی‌الله علیه وسلم بافقر تعامل نموده و برای این‌که جامعه‌ای بدون فقری داشته باشند، همواره به‌حاجات مردم رسیده‌گی می‌نمودند.

اما ایدئولوژی سرمایه‌داری ثبات اقتصادی جامعه را با رشد اقتصادی سنجش می‌کند و نشانه اقتصاد سالم از نظر آن افزایش تولید ناخالص داخلی و بالا رفتن ارزش سهام در بازار مالی می‌باشد و اگر رشد اقتصادی کند شده یا مدت طولانی متوقف شود و یا ارزش سهام در بازار مالی اُفت کند، زنگ هشدار سرمایه‌داری به‌صدا در می‌آید؛ یعنی بر خلاف اسلام، زنگ هشدار آن در صورتی به‌صدا در می‌آید که وجود گرسنگی در جامعه ادامه پیدا کند. اسلام تا زمانی که یک انسان گرسنه‌ای در جامعه وجود داشته باشد، خواه مرد باشد؛ خواه زن؛ خواه پیر باشد؛ خواه کودک؛ به‌جامعه اجازه استراحت نمی‌دهد.

قرآن کریم هشت دسته از مردمی را که حق استفاده از اموال زکات جمع‌آوری شده توسط دولت اسلامی را دارند، معرفی و مشخص نموده است؛ همان‌گونه که غذا دادن به‌مسکین را اهمیت بسیار داده و برای کسی که به‌مسکینی احسان می‌کند، بلندترین درجات را وعده داده است و آن را با عباداتی که بیش‌ترین تقرب با الله سبحانه و تعالی را در خود دارند؛ هم‌تراز قرار داده است؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(فَلَا افْتَحِمِ الْعَقَبَةَ وَمَا اُذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُ رَقَبَةً اَوْ اِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ اَوْ
مِسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ اُولَئِكَ اَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ)

[بند: 11-17]

ترجمه: ولی او از آن‌گدرنه مهم‌نگذشت و تو نمی‌دانی آن‌گدرنه چیست! آزادکردن برده‌ای و یا غذا دادن در روز گرسنگی... یتیمی از خویشاوندان یا مستمندی خاک‌نشین راه، سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می‌کنند!

همین‌گونه اسلام غذا دادن به‌مساکین را کفاره افطار روزه رمضان، کفاره حانث‌شدن در قسم و کفاره ظهار قرار داده است، چیزی که بیان‌گر اهمیت مبارزه با گرسنگی در جامعه می‌باشد.

المالکی در کتاب خود به‌نام "سیاست اقتصادی نمونه" به‌طور خلاصه چنین بیان داشته است: «مشکل اصلی که نظام اقتصادی در اسلام به‌حل آن می‌پردازد، مشکل فقر افراد در جامعه است. قبل از این‌که اسلام قواعد و قوانین و میکانیزم‌هایی را برای حل مشکل فقر در میان مردم وضع نماید؛ آگاهی اسلامی را در میان طبقات جامعه، در خصوص مسئله فقر و گرسنگی بالا می‌برد. اسلام برای مسلمان سخاوت‌مندی که برای فقراء و مساکین انفاق نموده و برای‌شان موادغذایی و کالا فراهم می‌کنند، بالاترین شأن گفته است؛ همان‌گونه که در صدر اسلام جامعه مکه آن زمان که با فقراء، نیازمندان و یتیم‌ها رفتار ظالمانه‌ای داشتند، مورد انتقاد قرار می‌داد...»

حاصل سخن: اسلام اشباع حاجات اساسی افراد را به‌طور جدا گانه تضمین نموده و با گرسنگی و از بین بردن آن به مبارزه برخاسته است؛ چنانچه در زمان حاکمیت‌اش در میدان واقعیت چنین بود. اسلام افراد را بر کسب و کار و طلب رزق و تلاش برای به‌دست آوردن آن، تشویق می‌نماید. اسلام نفقهٔ مربوط به اقارب و محارم را به‌دوش افراد فرض قرار داده، از اموال زکات و از واردات ملکیت‌های عامه و ملکیت‌های دولتی، نفقه فقراء را تأمین می‌کند.

امروزه تمام جهان، بیش‌تر وقت خویش را در حالت فقر و گرسنگی، فساداخلاقی و ارزش‌های غیرانسانی و فطری به سر می‌برد؛ حالتی که ثروت‌مندان بر فقراء حکومت می‌کنند؛ حالت فروپاشی امپراتوری‌ها و سقوط بت‌های ساخته شدهٔ دست انسان، که اربابان دیگر قادر به نگهداری برده‌گان خود نمی‌باشند. این همان زمان مناسب برای ظهور نظام رب‌العالمین است؛ نظام رب واحد و احد؛ الله رحمن و رحیم و نظامی که بساط فقر و گرسنگی را از جامعه برچیده و در لابلايش جانب‌داری، تبعیض و تعصب، به‌منفعت ثروت‌مندان، جای ندارد، است. در نظام اسلام سیاه، سفید، غربی و شمالی از یک جایگاه واحد برخوردار اند. اکنون زمان مناسب برای ظهور نظام جدیدی می‌باشد که تعادل را در توزیع ثروت برقرار نموده و برای قواعد و مقررات همان مقیاسی را قرار دهد که الله سبحانه و تعالی قرارداده و چنین می‌فرماید:

(وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۗ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۗ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ)

[الرحمن: 7-9]

ترجمه: و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید!

برگرفته از جریدهٔ الرایه

نویسنده: دکتور محمد الجیلانی

30 جمادی الاول 1440 هـ ق

23 جنوری 2019 م